

تاریخچه مجسمه سازی در ایران و جهان

نوشین تدین طهماسبی
کارشناس ارشد کاخ موزه سبز

مقدمه :

مجسمه سازی شاخه ای از هنرهای تجسمی است که به شکل دادن اشیا با مصالح مختلف میپردازد. در واقع هنر مجسمه سازی فرایندی است که به خلق یک پیکر سه بعدی می انجامد؛ این حجم سه بعدی تندیس، پیکره و یا مجسمه نامیده می شود. در گذشته مجسمه سازی، تراشیدن و یا حجم دهی مصالحی مانند سنگ، فلز، چوب و گل بود اما امروزه با فرایندهای گوناگون و مصالح مختلفی اجرا میگردد.

آثار هنری مختلف از دوران دور برجا مانده است. پیکره های سنگی نسبت به سایر آثار هنری از دوام بهتری برخوردار بوده اند و آثار سنگی متفاوتی از دوران های مختلف و اقوام گوناگون به جا مانده است در حالی که بیشتر آثار چوبی در گذر زمان از بین رفته است. یونانیان باستان پیکرهایی به شکل خدایان خود می ساختند و در معابد قرار میدادند؛ مصریان نیز مجسمه هایی برای مردگان خود میساختند و اقوام دیگر نیز هر یک مطابق با سنن و آئین خود اقدام به ساخت مجسمه میکردند.

اگر چه ایرانیان از دیر باز در هنرهای گوناگون مهارت داشته اند؛ ظاهراً مجسمه سازی پیش از اسلام و پس از آن در ایران رواج چندانی نداشته است. آثار کشف شده در ایران بسیار کم است و به چند مورد از دوره اشکانیان و ساسانیان محدود میگردد.

هنر مجسمه سازی راهی مناسب برای بیان و اشاعه فرهنگ و اندیشه انسانی است.

پیکر تراشی که به انگلیسی Sculpture خوانده می شود، از کلمه Sculper به معنی تراشیدن مشتق شده است.

در تعریف مجسمه می توان گفت که هر شیئی که قسمتی از فضا را اشغال می کند به آن حجم یا مجسمه می گویند.

تفاوت این هنر با سایر هنرها در کاربردی تر بودن و برقرار کردن ارتباط راحت تر با آن است مجسمه باید دارای هارمونی و هماهنگی در ساختار و اندازه ها باشد.

کلمات کلیدی: مجسمه – مجسمه سازی – پیکر تراشی

تعریف مجسمه:

مجسمه در اصطلاح کلاسیک statue به پیکره سازی، تندیس سازی گفته می شود. از دوران باستان تا عصر رنسانس از این کلمه برای هنر پیکره سازی و تندیس سازی استفاده می شد و همانطور که اشاره شد شامل پیکره های انسان، حیوان و تندیس ها می شد که غالباً تک عنصری، ایستا و دارای پایه و با متزیال های سنگ، برنز، و انواع دیگر فلزات و نهایتاً بتن ساخته می شد. موضوعات مجسمه سازی تا عصر رنسانس شامل موضوعات غالباً مذهبی، وقایع تاریخی، اشخاص درباری و سرشناس و جنگ ها می شد. اما از دوران مدرن و درست از زمان پیدایش اولین مکتب مدرن که همان

امپرسیونیسم است و اشخاصی مانند رودن، مفاهیم مربوط به مجسمه به کلی دگرگون شد، مجسمه ساز کم کم از حالت ایستا و تک عنصری خارج شد، پایه ها کم کم کمرنگ شدند و تعریف کلاسیک مجسمه از بین رفت ... عناصر زیادی از مکاتب ادبیات تا نقاشی و معماری در روند دگرگونی مجسمه نقش داشتند تا جایی که دیگر مجسمه ها با متریال های دیگر شناخته شدند و مضامین وسیعی را در بر می گرفتند.

از شاعرانگی تا وصف حال شخصی هنرمند، دیگر مجسمه تک عنصری نبود که هنرمند پدیدآورده و مضمونش در دست هنرمند باشد. حالا مخاطب هنر مجسمه سازی بسیار جدی تر می توانست برداشتی مستقل از خالق اثر داشته باشد. می توانست حول مجسمه که دیگر با کلمه sculpture شناخته می شد، بچرخد و با فضای پیرامون اثر نیز مرتبط شود. این دگرگونی تا جایی پیش رفت که در دنیای امروز مخاطب میتواند در مجسمه دخل و تصرف کند، مجسمه های اینتراکتیو امروزه جایگاه خاصی در دنیای مجسمه سازی دارند.

مجسمه سازی :

مجسمه سازی، تندیسگری یا پیکرتراشی، هنر هم گذاری یا ریخت دادن به اشیا است و ممکن است در هر اندازه یا با هر سازمایه ای (مصالحی) انجام گیرد.

به فرآورده های این هنر؛ تندیس، پیکره یا مجسمه گفته می شود.

هر پیکر سه بعدی، که به منظور دارا بودن یک بیان هنری آفریده شده را می توان تندیس نامید.

البته باید توجه داشت که هر شکل دادنی را مجسمه سازی نمی گویند، بلکه باید در ورای آن، یک فکر، خلاقیت یا یک نوآوری وجود داشته باشد.

هنر پیکر تراشی یا مجسمه سازی در عهد باستان:

پیکر تراشی یا به انگلیسی Sculpture خوانده می شود که از کلمه Sculper به معنی تراشیدن مشتق شده است. در حالیکه مجسمه سازی فقط تراشیدن نیست بلکه فرم دادن شی ای است که ماده اولیه آن سنگ - موم و یا فلز باشد.

پیکر تراشی حتی قبل از پیدایش قدیمی ترین تمدنها وجود داشته، حتی شواهدی از این هنر از تمدن غارنشینان بدست آمده است. مثلا یکی از حجاریهای بسیار زیبای قبایل مایاها در پرو.

در همه اعصار و قرون هنر مجسمه سازی بعلت مواد اولیه آن که اکثراً سنگ و چوب است به هنری باشکوه و با اصالت بدل شده و در برخی موارد شناسنامه ای برای هویت و طرز زندگی تمدنها شده است.

در اعصار قدیم پیکر تراشی با مذهب ارتباط مستقیم داشت چنانکه پیکره هایی که از تمدنهای باستانی ، مصر ، هند ، چین و مایاها باقی مانده نشان می دهد مذهب در تحول و تکامل این هنر نقش اساسی دارد.

شاهان آشوری پیکر تراشی را وسیله ای برای بزرگ جلوه دادن اعمال خود قرار دادند . فراغه مصر نیز برای رساندن فراغه به مقام الوهیت از پیکر تراشی سودجویی کردند و کم کم بت و بت پرستی به شکل پرستش پیکره هایی گاهاً عجیب و غریب در آمد . در ایران بخصوص در دوران هخامنشی پیکر تراشی وسیله ای بود برای ثبت آیین ها و نشان دادن شوکت ایرانیان و در این دوران بود که پیکر تراشی مفهومی کاملاً هنری یافت.

در یونان باستان مجسمه سازان بیشتر سعی داشتند نمونه کامل یک شکل ایده آل را مجسم کنند . ایده آلیسم در مجسمه سازی یونان باستان تحول و تکامل فراوان یافت و چنان پیشرفت کرد که مایه بهت و حیرت جهانیان شد.

در زمان رومی ها این هنر زیبا به اوج تکامل و شکوه رسید و جنبه های عملی هم علاوه بر موارد گفته شده پیدا کرد ولی به پیکر تراشی یونانیان باستان در مقام نرسید.

چند نمونه از مجسمه های دنیای باستان:

مجسمه شاپور اول ساسانی در غار بیشابور ، مجسمه عظیم بودا در بامیان افغانستان ، مجسمه ابوالهول مصر ، مجسمه های غول پیکر رامسس دوم و نفرتیتی ، اخناتون ، توت عنخ آمون در مصر ، مجسمه عظیم آتنه (اثر فیدیاس) در پانتئون ، لاوکون ، پرتاب کننده دیسک ، ارابه ران ، پیروزی ساموتراس ، ونوس دومیلو ، و مجسمه های شیوا.

مروری بر تاریخچه مجسمه سازی:

پیکر تراشی یا مجسمه سازی در عصر بیزانس و دنیای مسیحیت:

در عصر بیزانس پیکر تراشی در خدمت کلیسا بود و منحصر می شد به شمایل حضرت مسیح ، مریم پاک و حواریون . قسطنطنیه پایتخت بیزانس که پاریس قرون وسطی نام داشت پر بود از کلیساهای رنگارنگ . یکی از امپراطوران بیزانسی از ترس اینکه بت پرستی در امپراطوری او رواج یابد ساختن مجسمه را منع کرد . اما در امپراطوری غربی روم پیکر تراشی رواج کاملی داشت حتی سبک جدیدی در معماری بر اساس پیکر تراشی بنام رومانسک بوجود آمد . اکنون کلیساهای جالبی در هیلدسهام (آلمان) و بسیاری از شهرهای ایتالیا وجود دارد که باقی مانده از این دورانند.

بعد از رنسانس سبک گوتیک در فرانسه بوجود آمد که کلیساهای جالبی در این دوران در شهرهای میلان - لندن - شارتر و کلن با مجسمه هایی زیبا یادگار این دورانند.

مجسمه سازی در دوره بعد از قرون وسطی:

از سبکهای مهم اواخر قرون وسطی سبکهای رنسانس، باروک و دو کوکو ست که در اروپا بوجود آمد. رنسانس به معنی احیا (احیای هنری، ادبی و علمی و اجتماعی دوره ایده آل روم و یونان باستان) است.

رنسانس با آثار هنری نیکولو پیزانو که در قرن سیزدهم می زیست آغاز شد و در زمان دو نابغه بزرگ میکل آنژ (میکله آنجلو) و لئوناردو داوینچی به اوج کمال رسید. از آثار برجسته این دو، مجسمه حضرت موسی بر تخت از میکل آنژ و شوالیه اسب سوار از لئوناردو داوینچی است. البته مجسمه های زیادی هم برای کلیساهای شهرهای رم - میلان - واتیکان - ونیز هم توسط این دو نابغه در این زمان ساخته شد.

شاهان آشوری پیکر تراشی را وسیله ای برای بزرگ جلوه دادن اعمال خود قرار دادند. فراعنه مصر نیز برای رساندن فراعنه به مقام الوهیت از پیکر تراشی سودجویی کردند و کم کم بت و بت پرستی به شکل پرستش پیکره هایی گاهاً عجیب و غریب در آمد

از دیگر آثار این دوره درهای برنزی کلیسای فلورانس از بورنزو گبیرتی که به دروازه بهشت معروف است و آثاری از دوناتلو، فرانچسکو جورجیو و بلانو و برتولدو را می توان نام برد. در اسپانیا هم سبک رنسانس توسط هنرمندی بنام آلونزو برگوتت رواج یافت. نمونه هایی از این سبک هم در آلمان و انگلیس هم دیده شده است.

سبک باروک در اصل سبک رنسانس را به اوج شکوفایی رساند اینکه چه کسی یا کسانی آنرا بوجود آوردند معلوم نیست. اما واضح است که حیوانی لورننتو برنینی چه آثار شگفتی در این سبک بوجود آورده. از جمله این آثار مجسمه های ناوونا و سه فواره در رم می باشد. از کلاسیکهای او آپولو و دافنه، پلوتو و پورسپینا، که در گالری بورگیز رم دیده می شود. از مجسمه سازان این سبک الکساندرو آگاردی و جوزپه ماتزولی هستند. از مجسمه سازان فرانسوی این سبک پیر پوژه است که آثارش در کاخ ورسای دیده می شود.

در آغاز قرن هیجدهم در آلمان و اتریش کاخها و کلیساهای بسیاری بسک باروک ساخته شده که بسیار جالب می باشد.

سبک روکوکو که بدنبال سبک باروک ظاهر شد و در کشور فرانسه تمرکز یافت و کارهای کلود میشل کلودیون باین سبک است.

این را هم باید افزود که اسلوب روکوکو سبکترتر و تزئینی تر از سبکهای باروک و رنسانس بوده و هوسهای درباریان سطحی شاهان بوربن را مجسم میکند.

پیکر تراشی در قرن نوزدهم:

در پایان قرن هیجدهم نسبت به اسلوب سطحی و توخالی روکوکو عکس العمل شدیدی نشان داده شد و سبک کلاسیک احیاء گردید.

در فرانسه این عکس العمل بصورت انقلاب اجتماعی نیز بروز کرد و با انقلاب کبیر فرانسه نه تنها به عمر روکو کو خاتمه داده شد بلکه بنای اجتماعی فرانسه نیز زیر و زبر گردید. از جمله افرادی که علیه سبک روکو کو قیام کردند، هنرمند معروف فرانسوئی ژاک لوئی دیوید بود.

در بین مجسمه سازان انگلیسی حجارانی نظیر جان فلاکسمان احیاءکننده اسلوب کلاسیک بودند. در بین حجاران اسکاندیناوی هم عده ای پیدا شدند که این اسلوب را احیاء کردند و معروفترین آنها برتل توروالدسن بود.

در بین حجاران دیگر اروپا که با اسلوب های دیگر آثاری برجای گذاشتند ادگار دگاس (ادگار دگا)

فرانسوی، آلفرد استیونز انگلیسی و اوگست رودن فرانسوی که مردم فکر، اوشهرت جهانی دارند بودند. اوگست ورنوار (نقاش فرانسوی) در اواخر عمر چون بعلت پیری خود نمیتوانست نقاشی کند حجار جوانی را استخدام کرد تا ایده های او را بصورت مجسمه در آورد.

پیکرتراشی در عصر حاضر:

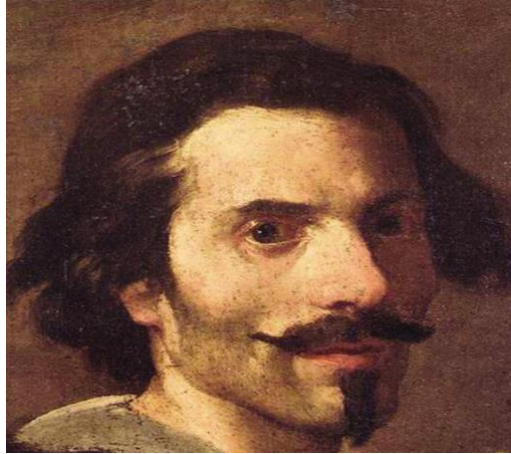
پیکرتراشی در عصر حاضر بعلت پیشرفت علم و تکنولوژی و پدیدار شدن جوامع صنعتی دگرگونی زیادی پیدا کرد و از یک هنر صرف و تقنی به صنعتی عجین شده با سایر رشته ها مثل دکوراسیون و معماری در آمد. از پدیده های جالب هنری در قرن حاضر و قرن بیستم پیدایش، گسترش و رخنه سبک کوبیسم در مجسمه سازی بود که اولین بار الکساندر آرچی پنکو بود که از سال 1911 آثار جالبی بوجود آورد. از دیگر پیکر تراشان این سبک می توان از لیب شیتس، ریموند دوچام، هانری لورن را نام برد. سبک دیگری که زیاد پیشرفت نکرد سبک فوتوریسم بود که بوچیونی آثار جالبی را در ایتالیای فازیستی بر جای گذاشت.

بهر حال در پیکرتراشی نوین عناصری مانند چوب، آهن، حلبی، طلا، جواهر، شیشه، نخ، پارچه و ... بکار می رود.

برترین مجسمه سازان جهان:

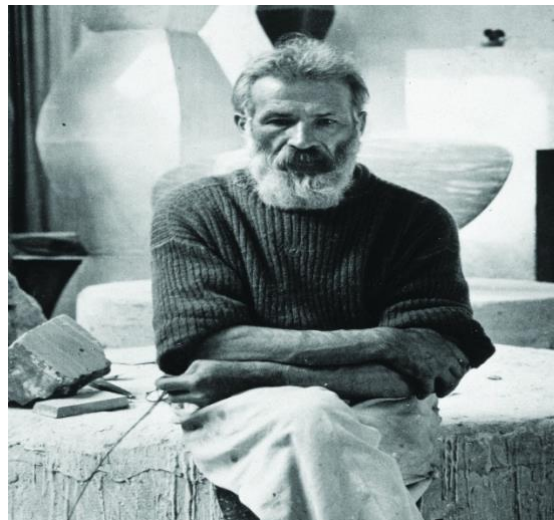
دوناتلو:

دوناتو دی نیکولو ملقب به دوناتلو مجسمه ساز و تصویرگر مطرح ایتالیایی، بزرگترین مجسمه ساز فلورانس پیش از میکل آنژ و یکی از با نفوذترین هنرمندان قرن 15 ایتالیا می باشد. دوناتلو فنون تصویرگری را زیر نظر برخی از شناخته شده ترین مجسمه سازان آن دوران نظیر لورنزو گیبرتی آموخت و به سرعت سبک گوتیک، که یک سبک مذهبی در خدمت کلیسا می باشد را فراگرفت. بیشتر آثار دوناتلو بر خلاف سبک اصلی وی که مبتنی بر زندگی واقعی بود، تندیس هایی احساسی و شورانگیز می باشند همچنین وی در آثارش تا جای امکان از هنر قرون وسطی دوری می کرد و بیشتر به سبک های کلاسیک متمایل بود. شروع کار حرفه ای دوناتلو با ساخت تندیس مرمرین حضرت داود در سال 1408 آغاز گردید و در ادامه آثار بسیاری خلق کرد که از مهمترین آن ها می توان به "مجسمه سنت جورج"، "ضیافت هیروود" و "تندیس سنت مارک" اشاره کرد. وی نهایتاً در 13 دسامبر 1466 و در سن 80 سالگی از دنیا رفت.



کنستانتین برانکوژی:

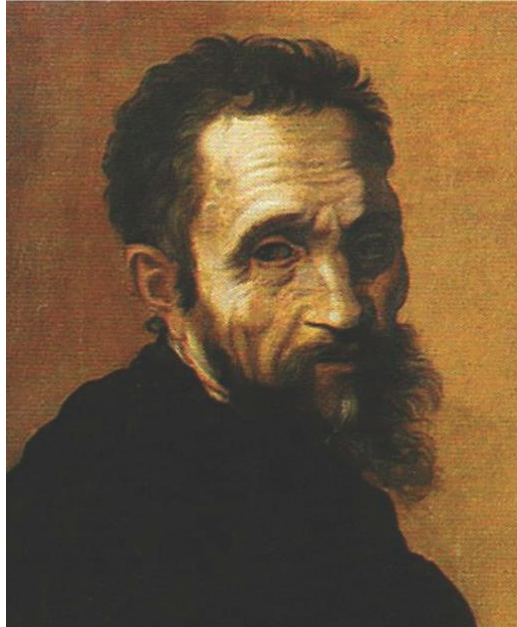
کنستانتین برانکوژی مجسمه ساز مطرح قرن بیستم در 19 فوریه 1876 در هوبیتا رومانی دیده به جهان گشود. وی از بزرگترین مجسمه سازان و تصویرگران زمان خود و از پیشگامان مجسمه سازی مدرن و انتزاعی و روش کنده کاری مستقیم بجای کار با واسطه هایی نظیر گچ و یا خاک رس می باشد. مهارت اصلی برانکوژی در خلق آثاری زیبا از جنس مرمر و برنز بوده است. برانکوژی بیشتر با مجسمه های انتزاعی خود نظیر سرهای تخم مرغی شکل و پرندگان در حال پرواز مشهور است و آثارش به گونه ایست که اغلب می توان عقاید و افکار اصلی اش را از آن ها دریافت نمود. از برجسته ترین آثار وی می توان به "پرنده در آسمان"، "بوسه"، "الهه خوابیده" و "دوشیزه پوگانی" اشاره کرد. برانکوژی در 16 مارس 1957 در پاریس چشم از جهان فرو بست.



میکل آنژ:

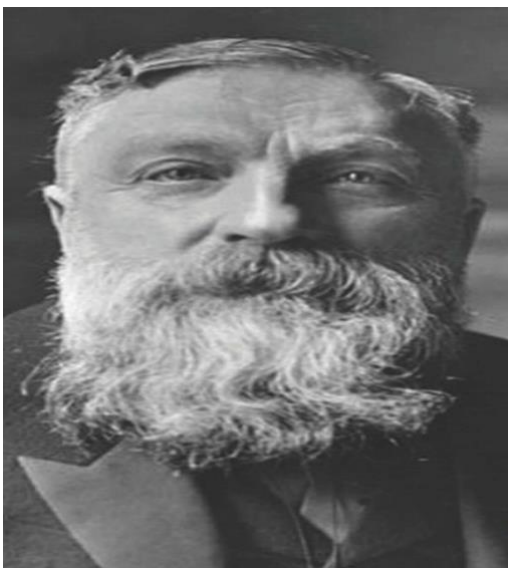
بر اساس باور بسیاری، میکل آنژ یکی از بزرگترین هنرمندان و تندیس سازان تمامی اعصار و بزرگترین مجسمه ساز دوران خود می باشد. نکته جالب در رابطه با میکل آنژ اینست که او بر خلاف دیگر هنرمندان، آثار خود را امضا نمی کرد بلکه به طرز استادانه ای نشانه هایی از خود در کارهای هنری اش بر جا می گذاشت. معروف ترین این نوع تکنیک هنری، در تابلوی "آخرین قضاوت" او قابل مشاهده است. همچنین وی به علت زیادی صحنه های برهنگی در آثارش اکثرا مورد مخالفت

کلیسا قرار می گرفت که نمونه بارز آن عدم اجازه اتمام پروژه پاپ ژولیوس می باشد. از مهم ترین آثار وی می توان به تندیس داود، مجسمه باکره سوگوار و تابلوهای نقاشی نظیر آفرینش انسان و روز رستاخیز اشاره نمود. میکل آنژ در 18 فوریه 1564 و در سن 88 سالگی دیده از جهان فرو بست.



اگوست رودن:

اگوست رودن یکی از شناخته شده ترین مجسمه سازان و تصویرگران فرانسوی به شمار می رود که در عمر طولانی خود تندیس های برجسته بسیاری نظیر "عصر برنز"، "بوسه"، "شهروندان کاله" و "دروازه جهنم" را خلق کرده است. در آثار رودن، میل شدید وی به رئالیسم کاملاً مشهود است و این اعتقاد بیش از حد به واقع گرایی در برخی موارد برایش مشکل ساز نیز بوده است به عنوان مثال نخستین اثر جدی وی تحت عنوان "ماسک مردی با بینی شکسته" که در میانه دهه 1860 به ساخت آن اقدام نمود؛ به دلیل رئالیسم پرتره، زمخت بودن و عدم زیبایی مطلوب و با این تصور که مجسمه هنوز تکمیل نشده است؛ دو بار از سوی تالار پاریس رد شد. رودن در تاریخ 17 نوامبر 1917 و در سن 77 سالگی در مودون فرانسه چشم از جهان فرو بست.



کنستانتین برانکوژی:

این شخص یکی از برترین مجسمه سازان تاریخ و مجسمه ساز مطرح و مشهور در قرن ۲۰ به حساب می آید . او در سال ۱۸۷۶ در موبیتا رومانی متولد شده است . مهارت اصلی وی خلق آثاری زیبا از جنس مرمر و برنز بود . از برجسته ترین آثار او می توان به آثار پرنده در آسمان و بوسه و الهه خوابیده و دوشیزه پوگانی اشاره کرد . این فرد سرانجام در سال ۱۹۵۷ در پاریس در گذشت.



جیان لورنزو برنینی:

جیان از برترین مجسمه سازان تاریخ و یک معمار و طراح و مجسمه ساز ایتالیایی است . آثار این هنرمند در رم به عنوان آثار قرن ۱۷ به نمایش گذاشته می شود . مردم آن دوران به این شخص در دوران خود لقب پدر مجسمه سازی باروک را دادند

سبک باروک بوون دارای ساختار تزیینات نمایشی فراوان و عجیب و غریب و جالب بود . این شخص طراحی بسیاری از مکان های بی نظیر همچون کلیسا سنت پیتر و چشمه چهار رودخانه را برعهده داشته است.

از آثار برجسته دیگر این هنرمند می توان به تندیس اپلودافنه و مجسمه پلوتو و پروپینا و تندیس سنگ نیم تنه ای نجات دهنده اشاره کرد . این هنرمند سرانجام در سال ۱۶۸۰ درگذشت.

دوناتو نیکولو:

این فرد یک تصویرگر ایتالیایی است . به این هنرمند لقب دوناتلو مجسمه ساز را داده اند . او از بزرگترین و با نفوذترین مجسمه ساز های دوران فلورانس در قرن ۱۵ ایتالیا بود . دوناتلو شاگرد لورن گبیرتی بود . دوناتلو از این فرد سبک و فنون تصویرگری را اموخت .

این شخص بعد از چندین سال به سبک خود روی آورد که این سبک را سبک گوتیک می گویند . این سبک مذهبی بیشتر و تقریباً کاملاً در خدمت کلیسا ها است و مضمون همچین آثاری بیشتر مبتنی بر زندگی واقعی است . این سبک بیشتر به سبک کلاسیک نزدیک است و از سبک های قرون وسطا دوری کرده است.



کته گلو تیس:

این هنرمند نقاش و مجسمه ساز آلمانی است . کلوتیس پسرش را در جنگ جهانی از دست داد و یک مجسمه ساز به نام والدین ماتم زده به یاد پسرش خلق کرد. با روی کار آمدن آلمان نازی کلوتیس نیز از فعالیت محروم شد و آثارش را از گالری ها و موزه ها جمع آوری کردند . اما یکی از آثار این هنرمند به نام مادر و فرزند از سوی آلمان نازی مورد بهره برداری قرار گرفت . این شخص در سال ۱۹۴۲ پوسترهای ۳ گانه مشهورش را کشید و در نهایت در سال ۱۹۴۵ درگذشت.

لویی بوروژوا:

این شخص از برترین مجسمه سازان تاریخ و یک مجسمه ساز و نقاش اهل فرانسه است . او از هنرمندان قرن ۲۰ به حساب می آید . این فرد متولد شده پاریس است اما از تبعه های امریکا به حساب می آید . او در دوران طراحی آثارش تحت تاثیر هنرمندان سورئالیست اروپایی بود .

این فرد بعد جنگ جهانی به امریکا مهاجرت کرد . مجموعه عنکبوت این هنرمند به ویژه مجسمه عنکبوتش که لقب مادر را گرفت به شهرت جهانی رسید.

کته اشمیت کلوتیس :

کته گلوتیس نقاش و مجسمه ساز اصالتا آلمانی است. کلوتیس فرزندش را در جنگ جهانی از دست داد و یک مجسمه به نام والدین ماتم زده به یاد فرزندش طراحی کرد و آن را ساخت. با قدرتمند تر شدن نازی ها کلوتیس از فعالیت های هنری خود محروم شد و آثار او از موزه ها و نمایشگاه ها جمع آوری شد. تنها مجسمه ای که از توسط نازی ها بهره برداری شد و آن را از دید عموم خارج نکردند، مجسمه ی مادر و فرزند بود. او در سال 1942 پوستر های سه گانه اش را کشید و در سال 1945 از دنیا رفت.

مجسمه سازان مطرح و پر آوازه ی ایرانی:

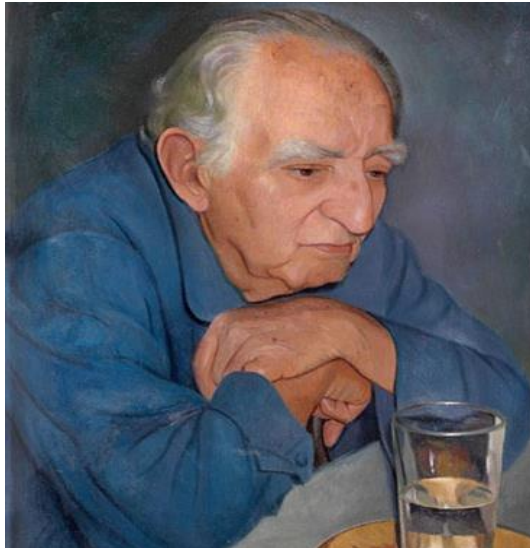
هوشنگ سیحون :

استاد هوشنگ سیحون ملقب به پدر معماری ایران در سال 1299 و در خانواده ای اهل موسیقی چشم به جهان گشود. سیحون استاد معماری و رئیس دانشگاه هنر های زیبای دانشگاه تهران بوده است. ایشان در نقاشی نیز تبحر خاصی داشته و همراه نقاشان بزرگی از جمله پیکاسو در نمایشگاهی در ماساچوست شرکت کرد. و در آن جا توجه بسیاری از منتقدان را به خود جلب کرد. ایشان در سال 1393 در حالی که 93 سال سن داشتند، در گذشتند.



ابوالحسن صدیقی :

استاد ابوالحسن صدیقی متولد سال 1273 در محله ی عودلاجان در تهران بود. ایشان مجموعا 83 مجسمه ساخته اند و در نقاشی هم تبحر داشتند. ایشان علاوه مجسمه های رایج و معمول، مجسمه های افراد سرشناس معاصر ایرانی را نیز ساخته اند. افرادی چون رضا شاه، محمدرضا پهلوی، تقی زاده. سرانجام ایشان در سال 1374 در گذشتند.



ژازه طباطبایی:

ژازه طباطبایی نقاش، نمایش نامه نویس ایرانی نگارخانه ی ایران را با ژازه نام خود را تباتبایی

مجسمه ساز، شاعر و بوده است. او اولین نام هنر جدید تاسیس کرد. امضا می کرد. او شهرت

خود را با مجسمه های فلزی خلاقانه که با جفت کاری قطعات ماشین آلات صنعتی و اتومبیل ها درست می کرد، به دست آورد. در سال 1346 خسرو سینایی فیلمی با نام شرح حال از آثار ژازه تولید کرد. در سال 1376 فیلم دیگری با نام کوچه ی پاییز درباره ی زندگی این هنرمند تولید کرد. ژازه طباطبایی سال های اخیر زندگی خود را در کشور اسپانیا گذراند و مدت زمان بسیار کوتاهی را در ایران زندگی کرد. ژازه طباطبایی در 20 بهمن سال 86 در سن 77 سالگی در بیمارستان آتیه ی تهران در گذشت. آثار مهم او در موزه ی لوور پاریس و نگارخانه ی سیحون و مجموعه ی شخصی فرح پهلوی به چشم می خورد.

در بین تمام مجسمه سازان و نقاشان محبوب جهان نام زنان زیادی نیز به چشم می خورد. مهم ترین آن ها افرادی هستند که در ادامه ی مقاله به شما معرفی خواهیم کرد.

زندگینامه استاد:

استاد ابوالحسن صدیقی نقاش و مجسمه ساز برجسته ایرانی و از شاگردان استاد کمال الملک در سال 1276 در محله عودلاجان تهران متولد شد.

وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیل و به تشویق خانواده به مدرسه آلیانس رفتند و ضمن فراگیری دروس مختلف با توجه به استعداد غریزی و فطری، به تمرین نقاشی و طراحی پرداختند.

پس از سه سال تعلیم نقاشی و طراحی در آن مدرسه با عنایت به تلاش خستگی ناپذیرش در دریافت راز و رمزهای نقش آفرینی در شمار برجسته ترین هنرآموزان مدرسه موفق به اخذ دیپلم با درجه ممتاز گردیدند. با تمامی این احوالات بعد از گذشت اندک زمانی این معلم نقاش و طراح مستعد به اندیشه و خیال مجسمه سازی می افتد و نخستین مجسمه گچی از نیم تنه کودکی را با وسایلی ابتدایی و چه بسا غیر اصولی خلق می کنند.

از جمله آثار این استاد میتوان به تندیس فردوسی در میدان فردوسی تهران، تندیس خیام در پارک لاله تهران، تندیس حکیم ابوعلی سینا در میدان آرامگاه وی در همدان، مجسمه شیخ اجل سعدی در میدان سعدی شیراز، مجسمه یعقوب لیث صفاری در زابل و تندیس نادر شاه افشار در باغ نادری در آرامگاه نادر در مشهد و البته تعدادی آثار برجسته دیگر که از او یک هنرمند اسطوره ساخت و عنوان پدر مجسمه سازی معاصر ایران را برآورده اش نمود.

در سال ۱۳۷۰ کمیسیون ملی یونسکو در ایران تصمیم گرفت از آثار استاد صدیقی عکس برداری کند و کتابی منتشر نماید که در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسید. صدیقی یک سال پس از انتشار این کتاب در ۲۰ آذر ۱۳۷۴ در سن نود و هشت سالگی در تهران درگذشت.

استاد ابولحسن صدیقی مجموعاً ۸۳ مجسمه ساخته است که از بین آنها، تعدادی که اطلاعات دقیقی در موردشان ثبت شده، در فهرست زیر آمده است؛ علاوه بر آن او به ساخت مجسمه هایی از سرشناسان معاصر ایران نیز پرداخته است. از جمله مجسمه رضاشاه و محمدرضا پهلوی و تقی زاده (برای مجلس شورای ملی) دکتر حبیبی (یکی از روسای دانشکده کشاورزی)، بیات، کاشف السلطنه (مجسمه در لاهیجان است) مجسمه مرحوم ساعی، امام قلی خان (حاکم فارس در زمان شاه عباس صفوی) در میدان مرکزی شهر قشم.

- ۱۳۰۳ نیم تنه دختر بچه گچ فرنگی ۲۰ مجموعه خصوصی
- ۱۳۰۵ سیاه نی زن (حاج مقبل) گچ فرنگی پائینه شده ۹۳ موزه هنرهای ملی
- ۱۳۰۵ نیم تنه حاج مقبل گچ فرنگی پائینه شده ۶۳ موزه هنرهای ملی
- ۱۳۰۷ نیم تنه زن جوان سنگ مرمر یزد ۳۵ مجموعه خصوصی
- ۱۳۱۲ نیم تنه پیر مرد گچ فرنگی ۶۷ مجموعه خصوصی
- ۱۳۱۲ نیم تنه جوان (ابوالقاسم) گچ فرنگی ۶۴ مجموعه خصوصی
- ۱۳۱۲ نیم تنه خدمتکار خانه (ننه حسین) گچ فرنگی پائینه شده ۳۰ مجموعه خصوصی
- ۱۳۱۲ نیم تنه پیر مرد سنگ مرمر یزد ۵۱ مجموعه خصوصی
- ۱۳۱۲ مجسمه فردوسی سوار بر سیمرغ گچی ۱۶۰ از میان رفته!
- ۱۳۱۳ نیم تنه ابوالقاسم فردوسی گچی ۷۰ از میان رفته!
- ۱۳۱۷ نیم تنه نادر شاه سنگ مرمر یزد ۷۰ موزه توس مشهد
- ۱۳۱۹ مادر استاد (شاجان) گچ فرنگی پائینه شده ۳۳ مجموعه خصوصی
- ۱۳۲۱ چهار نقش برجسته از قضاات ایران سنگ سفید سپری ۹۰×۱۸۰ کاخ دادگستری تهران
- ۱۳۲۲ میرزا تقی خان امیرکبیر گچ فرنگی پائینه شده ۲۲۰ مدرسه دارالفنون
- ۱۳۲۳ فرشته عدالت سنگ مرمریت ۲۲۰ کاخ دادگستری تهران
- ۱۳۲۵ نقش برجسته سه خوان از شاهنامه فردوسی سنگ سپری ۴۳۰×۸۵ سردر زورخانه بانک ملی ایران
- ۱۳۳۰ شیخ اجل سعدی سنگ مرمریت ۲۸۵ میدان سعدی شیراز
- ۱۳۳۳ حکیم ابوعلی سینا سنگ مرمریت ۲۸۵ میدان آرامگاه ابوعلی سینا همدان
- ۱۳۳۵ نادر شاه و سربازانش ریخته گری برنز سوخته ۷ متر آرامگاه نادر شاه مشهد
- ۱۳۳۷ نیم تنه برادر استاد گچ فرنگی ۴۴ مجموعه خصوصی
- ۱۳۴۷ نقش برجسته نیم رخ استاد کمال الملک غفاری سنگ مرمریت ۶۵×۶۰ آرامگاه خیام،

نیشابور

- ۱۳۴۷ حکیم ابوالقاسم فردوسی سنگ مرمر کارارا ۱۸۵ میدان فردوسی ویلا بورگز رم
۱۳۴۸ حکیم ابوالقاسم فردوسی سنگ مرمر کارارا ۱۸۵ آرامگاه فردوسی توس
۱۳۴۹ نیم تنه خیام سنگ مرمر کارارا ۹۰ آرامگاه خیام نیشابور
۱۳۵۰ حکیم ابوالقاسم فردوسی سنگ مرمر کارارا ۳ متر میدان فردوسی تهران
۱۳۵۵ ماکت امیرکبیر گچی ۲۲۵ ریخته گری میلان ایتالیا
۱۳۵۴ حکیم عمر خیام سنگ مرمر کارارا ۱۸۵ پارک لاله تهران
۱۳۵۶ مجسمه سواره یعقوب لیث صفاری (شهره به رستم) برنز ۴۵۰ میدان مرکزی زابل

نقاشی ها:

استاد صدیقی نقاش آثار برجسته ای از خود به جا گذاشته. و طرح های او از چهره بزرگان ادبیات کلاسیک فارسی چهره آنان را تثبیت کرده است. علاوه بر آن دو تابلو از وی در موزه سعدآباد بوده و یک تابلو بزرگ به طول ۷ متر و ارتفاع ۳ متر از او در سفارت ایران در پاریس است. این تابلو چهره اولین ایلچی، خان ایران (سفیر اران) در دربار لویی شانزدهم است.

وی در سال های که در اروپا بود ضمن نقاشی کشیدن از مناظر اروپا در موزه لوور از روی آثار رافائل، رامبرانت، روبنس، انگر... تابلو هایی با شباهت بسیار به تابلو های اصلی کپی کرده است. تابلوی روبنس بر اثر سهل انگاری از بین رفته است اما کپی درخشان او از تابلوی مریم و عیسی اثر رافائل در اختیار فرزند او فریدون صدیقی است. به گفته وی این هنرمند «یک تابلوی تمام قد فرشته دختر چشمه (سورس) دارد و چون این تابلو خیلی عریان است آدم هر جایی نمی تواند آنرا نمایش دهد»

استاد صدیقی اغلب تابلو های خود را با آب رنگ و رنگ روغن کشیده است.

طرح ها:

چهره ابوعلی سینا بصورت سیاه قلم روی کاغذ (سال ۱۳۲۴) که هم اکنون به عنوان چهره رسمی ابوعلی سینا شناخته شده است. طرح های استاد صدیقی از بزرگان ادبیات فارسی به عنوان طرح های تثبیت شده ای از چهره آنان رواج پیدا کرده است. به ویژه طرح چهره ابوعلی سینا و سعدی و فردوسی. در مورد طراحی چهره ابن سینا در سال ۱۳۲۳ گروهی کارشناس تشکیل می شود

و طراحی چهره به عهده ابولحسن خان صدیقی گذاشته می‌شود؛ ایشان در اردیبهشت ۱۳۲۴ تصویربرداری تمام چهره با قلم سیاه طراحی کرد و در بیست و یکمین جلسه انجمن آثار ملی این تصویر تصویب شد و بر روی اوراق بخت آزمائی ابن سینا چاپ شد. در دی ۱۳۲۷ طرح نیمرخ همان طرح تمام رخ نیز توسط استاد صدیقی کشیده شد و در چاپ تمیر و مدال و موارد مشابه مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۳۲۸ گروه شش نفری که در آن استاد هوشنگ سیحون و استاد ابولحسن صدیقی نیز حضور داشتند برای نبش قبر بوعلی سینا به همدان رفتند، پس از نبش قبر مجسمه بوعلی سینا مورد بازدید این افراد قرار گرفت، پس از ساختن آرامگاه جدید بوعلی اسکلت وی بار دیگر در آرامگاه جدید به خاک سپرده شد. پس از آن صدیقی از طرف انجمن آثار ملی مأموریت پیدا کرد که مجسمه‌ای از بوعلی سینا بسازد؛ این مجسمه نیز در ۱۳۳۳ ساخته شد و هم‌اکنون در میدان بوعلی سینا در شهر همدان قرار دارد.

- ۱۳۰۹ پرتره هنرمند در جوانی، فلورانس ایتالیا مداد رنگی روی کاغذ ۲۰×۳۰
- ۱۳۱۰ پرتره هنرمند در جوانی، پاریس آب مرکب روی کاغذ ۱۶×۲۴
- ۱۳۱۰ چشم‌اندازی از فلورانس، ایتالیا سیاه قلم روی کاغذ ۱۵×۲۵
- ۱۳۱۰ اسکله گوندوله‌ها در ونیز، ایتالیا سیاه قلم روی کاغذ ۱۵×۲۰
- ۱۳۱۰ لنگرگاه مخصوص گوندوله‌ها در ونیز، ایتالیا سیاه قلم روی کاغذ ۱۵×۲۰
- ۱۳۲۴ چهره ابوعلی سینا سیاه قلم روی کاغذ
- ۱۳۲۸ نیمرخ بوعلی سینا سیاه قلم روی کاغذ ۴۸×۳۵
- ۱۳۲۸ پرتره سعدی سیاه قلم روی کاغذ ۴۸×۳۵
- ۱۳۳۰ پرتره زن جوان، رم ایتالیا مداد رنگی روی کاغذ ۲۱×۲۱
- ۱۳۵۰ پرتره حافظ ۷۰×۱۱۰

رنگ روغن:

- ۱۳۰۳ پرتره ننه حسین، خدمتکار باوفای مادر استاد ۳۲×۴۰
- ۱۳۰۴ پرتره خواهر استاد ۴۶×۵۵
- ۱۳۰۶ کپی از تابلوی مریم و عیسی اثر رافائل ۸۵×۸۵
- ۱۳۰۶ پرتره مریم، استاد علی محمد حیدریان و استاد ابوالحسن صدیقی (پروژه دیپلم مدرسه کمال الملک) ۳۰×۴۵
- ۱۳۰۷ منظره‌ای از لتیان، اطراف تهران ۳۳×۵۰
- ۱۳۰۷ شمایل علی ۳۰×۴۰
- ۱۳۰۷ منظره‌ای از دهکده دماوند ۳۳×۵۰
- ۱۳۰۷ پرتره هنرمند در جوانی ۴۸×۵۵
- ۱۳۰۹ پرتره هنرمند در جوانی، فلورانس ایتالیا ۱۸×۲۷
- ۱۳۰۹ دو چشم‌انداز از میدان سان مارکو ونیز-ایتالیا ۳۴×۴۱

- ۱۳۰۹ پرتره هنرمند در جوانی، ونیز- ایتالیا ۶۵×۸۲
- ۱۳۰۹ دهکده.ای کنار رود سن- پاریس
- ۱۳۰۹ پرتره هنرمند در ونیز- ایتالیا ۳۳×۴۰
- ۱۳۰۹ دهکده.ای در نزدیکی فلورانس- ایتالیا ۳۵×۴۵
- ۱۳۰۹ چشم.اندازی از جنوب فرانسه
- ۱۳۰۹ رخت.شوی.خانه.ای در پاریس ۳۵×۴۲
- ۱۳۰۹ پرتره هنرمند در مارسی- فرانسه ۵۵×۷۰
- ۱۳۱۰ پرتره هنرمند در جوانی ۲۵×۳۳
- ۱۳۱۰ کپی از یک اثر رامبراند (تصویر خود رامبراند) ۳۵×۵۶
- ۱۳۱۲ پرتره همسر هنرمند (نیمه.کاره) ۵۳×۷۰
- ۱۳۳۷ اقامت.بگه هنرمند در مونتی.پاریولی- رم - ایتالیا ۳۰×۴۰
- ۱۳۳۹ چشم.اندازی از مونتی.پاریولی- رم- ایتالیا ۶۲×۸۴
- ۱۳۵۵ چشم.اندازی از مونتی.پاریولی- رم- ایتالیا ۳۵×۵۰

آبرنگ:

- ۱۳۰۷ کلیسای نتردام، پاریس ۲۱×۲۹
- ۱۳۰۸ چشم.انداز یک پارک در پاریس ۲۲×۳۰
- ۱۳۰۸ منظره.ای خارج از پاریس ۳۸×۵۲
- ۱۳۰۹ چشم.اندازی از رود سن- پاریس ۲۲×۳۰
- ۱۳۰۹ دورنمایی از شهر قدیمی ونیز- ایتالیا ۳۸×۵۳
- ۱۳۰۹ چشم.اندازی از دهانه ورودی کانال گراند- ونیز- ایتالیا ۳۸×۵۴
- ۱۳۰۹ منظره.ای نزدیک مارسی- فرانسه ۳۹×۴۹
- ۱۳۰۹ چشم.اندازی از جنوب فرانسه ۴۲×۵۷
- ۱۳۰۹ یکی. از لنگرگاه.های ونیز- ایتالیا ۲۱×۲۹
- ۱۳۰۹ چشم.اندازی از محله.ای قدیمی در شهر پاریس ۴۲×۵۲
- ۱۳۰۹ دورنمایی از طبیعت- جنوب فرانسه ۲۲×۳۰
- ۱۳۰۹ دهکده.ای در نزدیکی پاریس ۲۲×۳۰
- ۱۳۰۹ منظره.ای از اطراف پاریس ۲۲×۲۹
- ۱۳۰۹ دورنمایی از اطراف پاریس ۳۹×۵۱
- ۱۳۰۹ چشم.انداز محله.ای قدیمی در شهر پاریس ۲۲×۳۰
- ۱۳۰۹ دورنمای محله.ای قدیمی در شهر پاریس ۴۱×۴۶
- ۱۳۰۹ دورنمای محله.ای قدیمی در شهر پاریس ۴۲×۵۲
- ۱۳۱۰ دورنمای کلیسایی در ونیز- ایتالیا ۲۲×۳۰
- ۱۳۱۰ دورنمایی از ونیز- ایتالیا ۲۲×۳۰

- ۱۳۱۰ دورنمایی از سان مارکو- ونیز- ایتالیا ۳۸×۵۴
- ۱۳۱۰ دورنمایی از بندر ونیز- ایتالیا ۳۸×۵۴
- ۱۳۱۰ پلی بر رود سن- پاریس ۴۲×۵۲
- ۱۳۱۰ دورنمای محله ای قدیمی در شهر پاریس ۴۲×۵۲
- ۱۳۱۰ منظره ای از رود سن- پاریس ۴۲×۵۲
- ۱۳۱۰ چشم اندازی از ونیز- ایتالیا ۳۸×۵۴
- ۱۳۱۰ چشم اندازی از رود سن- پاریس ۴۲×۵۲
- ۱۳۱۰ دورنمای محله ای قدیمی در شهر پاریس ۳۸×۵۴
- ۱۳۱۰ چشم اندازی از جنوب فرانسه ۳۸×۵۴
- ۱۳۱۰ میدان سن. مارکو- ونیز- ایتالیا ۲۲×۳۰
- ۱۳۱۰ کلیسایی در شهر پاریس ۱۵×۲۵
- ۱۳۳۰ پل سن مارتین و کانال گراند- ونیز- ایتالیا ۲۱×۲۹

آثار از میان رفته:

۱۳۰۴ - مجسمه سنگی «ونوس دمیلو» اولین مجسمه سنگی ساخته شده توسط صدیقی که به احمدشاه اهدا شده بود هرگز یافت نشد.

۱۳۱۲ - مجسمه گچی فردوسی سوار بر سیمرغ (با همکاری حسنعلی وزیر). ارتفاع حدود ۱۶۰ سانتی. متر. ۱۳۱۳ - نیم تنه گچی حکیم ابولقاسم فردوسی. ارتفاع: ۷۰ سانتی. متر
تندیس تمام قد ملک المتکلمین از سنگ مرمر. (تا سال ۱۳۷۸ در پارک شهر قرار داشت و پس از آن به انبار سازمان پارک ها منتقل شد. در خرداد سال ۱۳۸۵ اعلام شد این مجسمه گم شده است.)

نشان ها و افتخارات:

هنگام پرده برداری مجسمه فردوسی در ویلا بورگز رم رئیس جمهور وقت ایتالیا کورونسکی نشان «کومن داتور» که نشان اول هنر در ایتالیا را به او هدیه داد.

آثاری از استاد که بیشتر در بین ایرانیان شناخته شده است

مجسمه فردوسی:

تاکنون تندیس‌ها و مجسمه‌های بسیاری از حکیم ابوالقاسم فردوسی توسط هنرمندان مجسمه‌ساز ساخته شده اما معروف‌ترین آن‌ها، مجسمه‌ای است که ابوالحسن صدیقی آن را ساخته و در میدانی به نام این شاعر در تهران نصب شده است. این مجسمه که در سال ۱۳۳۸ ساخته شده از جنس سنگ مرمر کارارا و به ارتفاع سه متر است. البته مجسمه نصب شده در میدان فردوسی تنها تندیس ساخته شده از این شاعر ایرانی توسط صدیقی نیست و او مجسمه‌های دیگری هم از فردوسی ساخته که در مکان‌های مختلفی از ایران و جهان نصب شده است.



امیرکبیر:

مجسمه

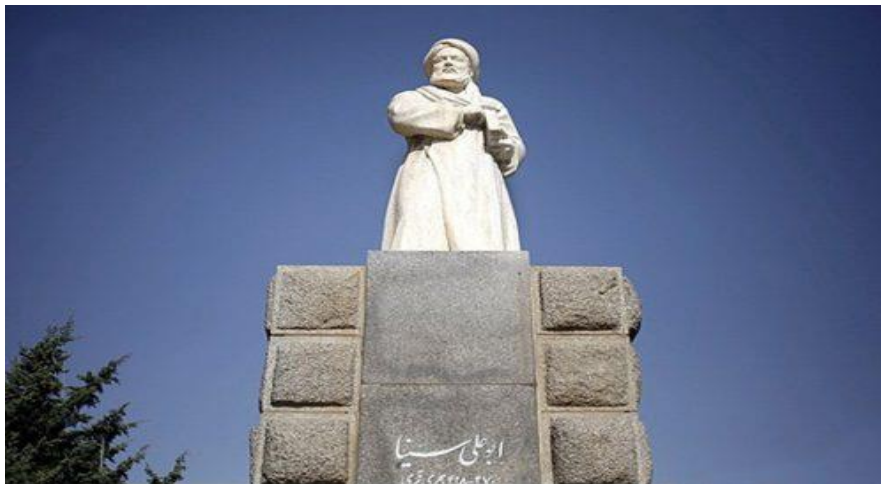
مجسمه امیرکبیر در سال ۱۳۵۶ به سفارش انجمن مفاخر ملی ایران در کشور ایتالیا ساخته شد و به دلیل همزمانی ساخت و آماده شدن آن با روزهای پیروزی انقلاب، انتقال آن به ایران ۳۲ سال به تاخیر افتاد. در سال ۱۳۸۸ و با پیگیری اسناد ساخت این مجسمه، محل نگهداری آن شناسایی و پس از طی مراحل قانونی در سال ۸۹ وارد ایران شد. جنس مجسمه امیرکبیر برنز، ارتفاع آن سه متر و ۱۰ سانتی متر و وزنش ۴۵۰ کیلوگرم است. این مجسمه پس از انتقال به ایران در پارک ملت تهران نصب شد.



ابوعلی سینا:

مجسمه

پس از تصویب در بیست و یکمین جلسه هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی، تصمیم گرفته شد مجسمه‌ای هم برای یادبود دانشمند و پزشک ایرانی توسط استاد صدیقی ساخته شود. حاصل کار صدیقی، مجسمه‌ای ایستاده از ابن‌سینا به ارتفاع سه متر و ۱۰ سانتی متر بود که در ساخت آن از سنگ مرمر سفید استفاده شده بود. این مجسمه نزدیک به هشت دهه است که روی پایه‌ای در میدان بوعلی شهر همدان قرار دارد.



نادر شاه

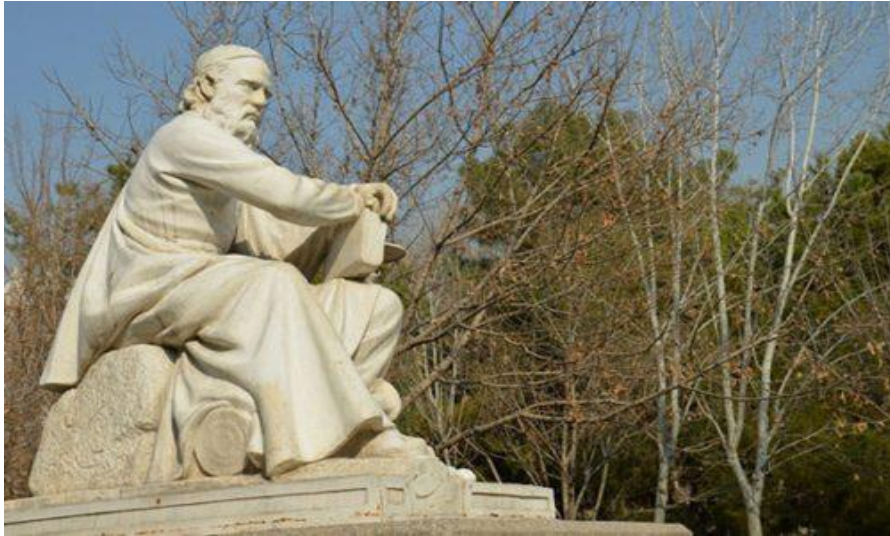
مجسمه
افشار:

اگر شما هم برای زیارت و سیاحت به مشهد سفر کرده باشید، پس از زیارت حتما سری هم به آرامگاه نادرشاه افشار زده اید. در مجاورت قبر نادر، سکویی مرتفع تعبیه شده که مجسمه برنزی نادرشاه سوار بر اسب و سه تن از سربازان او قرار گرفته است. این مجسمه از معروفترین ساخته‌های ابوالحسن صدیقی است.



مجسمه خیام:

مجسمه خیام پارک لاله تهران، یکی از معروفترین کارهای ابوالحسن صدیقی است. به گفته فریدون صدیقی، پدرش این مجسمه و مجسمه فردوسی را خیلی دوست داشت. مجسمه خیام در سال ۱۳۵۱ به سفارش انجمن آثار ملی با سنگ مرمر کارارا در ایتالیا ساخته و سپس به ایران منتقل شد.



سعدی:

مجسمه

این تندیس از روی تصویر اخیر سعدی به قلم ابوالحسن صدیقی طرح و ترسیم شده که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی آن را تایید کرده است. صدیقی این مجسمه را از سنگ مرمر تراشیده و سه مترو ۱۰ سانتی متر، ارتفاع آن است. این مجسمه که یک سال و نیم برای تهیه آن وقت صرف شده در شهر شیراز در میدانی بیرون از دروازه اصفهان که به نام سعدی است، نصب شده است.



پهلوی اول:

مجسمه

مجسمه نیم پهلوی با لباس نظامی، مدال و کلاه نظامی بر روی پایه ای (مکعبی شکل از برنز به رنگ سیاه ، در پشت اثر امضاء استاد ابوالحسن صدیقی سال 1310 حکاکی شده است و بر روی کلاه آن شیر و خورشید دیده می شود.) با ارتفاع 96 سانتی متر و از جنس برنز

2 امضاء از استاد صدیقی یکی بر روی مکعب پایه سمت راست بالا و دیگری در سمت چپ پائین به زبان انگلیسی حک شده است و همچنین در زیر شانه چپ مجسمه نیز نام استاد ابوالحسن صدیقی به چشم می خورد. محل نمایش این مجسمه در تالار آئینه کاخ موزه سبز است .



منابع:

1- نشریه مجسمه، از بخش هنری سایت تبیان برگرفته از کتاب : Art of the 20th century Volume II نویسنده Fricke – Schnecken Burger – Ruhrberg Honnef مترجم نگین شریفزاده

2- هنر و اجتماع – هربرت رید – ترجمه سروش حبیبی / انتشارات امیر کبیر 1352

3- تاریخ هنر، گامبریچ، ارنست هانس، ترجمه: رامین، علی، نشرنی، تهران، 1379

4- تاریخ عمومی هنرهای مصور، وزیری، علینقی، انتشارات هیرمند، تهران، 1373، چاپ چهارم